

## باسمه تعالی

خارج اصول.مقدمه ای بر مسئله انسداد.جلسه ۱۴۰۰/۱۰/۱۵//۱۳۰

در این جلسه مطالبی را که در پایان مسائل خبر واحد مطرح کردیم عرض کرده و مطالبی است که هم جنبه خاتمه و پایان بخشی مطالب قبلی دارد و هم می تواند مقدمه ای باشد برای بحث آینده ما که بحث انسداد است.

همه به این نکته واقفیم که قرآن کریم دستور تبعیت از رسول گرامی اسلام و پیروی از سنت نورانی را داده است

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرَ

وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا

و بار ها فرمود که: اطیعوا الله واطیعوا الرسول.

در اینجا دو نکته قابل دقت است:

- ۱- اطاعت از پیامبر مانند اطاعت از والدین و یا سرباز از فرمانده نیست که تا هنگامی موضوعی دارد که والدین زنده باشند. اطاعت از رسول هم در زمان حیات حضرت لازم است و هم پس از شهادت حضرت. خطاب ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نه اکم عنه ..... خطاب لقد کان لکم فی ..... خطاب اطیعوا الله فقط برای مردم زمان پیامبر نیست. همه ما و آیندگان ما چنین وظیفه ای را داریم.
- ۲ - طبق حدیث شریف ثقلین به عنوان حدیث متواتر و نیز بر طبق روایات فوق حد تواتر که از اهل سنت و شیعه به ما رسیده است اطاعت و پیروی از وجود مقدس امیر المومنین (س) و فرزندان او بر همه ما مثل اطاعت از پیامبر اکرم است. همچنان که او اسوه حسنه است در مراحل بعد اهل بیت او نیز اسوه حسنه هستند همچنان که اطاعت از اولی الامر ائمه هدی نیز نه تنها برای مردم زمان ائمه، بلکه برای همگان لازم است.

حال که ما و آیندگان مأموریم از رسول او و اهل بیت پیروی کنیم باید منبعی موثق و معتبر در دست بشریت باشد که این منبع موثق نشانگر راه و روش رسول بوده و این منبع موثق و معتبر گفتار و رفتار او باشد. سخنان او، پاسخهای او به سئوالات همه مردم را به دست نسلهای بعد برساند.

به این امری که نشانگر سنت رسول الله است، حاکی از روش رسول خدا و ائمه هدی هست از آنها به روایات و حدیث تعبیر می کنیم. این احادیث گاهی به صورت متواتر و گاهی به صورت اخبار آحاد بدست ما می رسد.

اما آنچه پیامبر اکرم (ص) خواسته بود این نبود. رسول خدا بابهای متعدد حدیثی ابداع فرمودند و حضرت امیر کتابت کرد. تمام آنچه که مردم تا زمان قیامت لازم دارند در آن کتابها نوشته شده است لذا سنت پیامبر توسط خود پیامبر نوشته شد و آنچه سفارش پیامبر بود اینکه مردم هر عصر به آن امام زمان مراجعه کنند. لذا رسول خدا کارش را درست انجام داد.

انها که خلافت را غصب کردند در میان آنها فقط قصد سیاسی نیست و اختلاف ما با اهل سنت، اختلاف تاریخی که مدت و زمانش تمام شده باشد نیست. اختلاف این است که نگذاشتند مسیر پیامبر که برای هدایت تعیین کرده استمرار پیدا کند.

یکی از ثمرات ناخوشایند و سوء غصب خلافت منع از تدوین حدیث بود که از چه زمانی شروع شد؟ هنگامی که پیامبر در بستر است و عده ای حسبن کتاب الله سر دادند و بعد از رحلت پیامبر هم استمرار پیدا کرد.

زندان نمودن و تبعید کسانی که حدیث پیامبر را نقل می کردند (و این خود بحث مفصل دارد). بعد از سالها، که حدود سال صد هجری بود عمر بن عبدالعزیز دستور داد حدیث تدوین شود باز عده ای که پیرو دستگاه خلافت بودند، ضربه زدند.

با جعل و حذف احادیث (به نفع خود)، ضربه زدند. هم منع و هم تدوین حدیث، ضربه به حدیث بود. بعد از مدتی، وقتی افرادی مانند ابوحنیفه بفکر اصلاح حدیث بر می آید و روایات زیادی را که دستگاه خلافت به نفع خود ساخته بود نمی پذیرد اصلاح او هم باز اصلاح نادرستی بود. اصلاح او هم ضربه سومی به حدیث بود که سر از قیاس در آورد!!

این یک گزارش مختصر نزد عامه است. ضربه ای که اینها زدند از همان روزی که پیامبر در بستر افتاده تا الان ادامه دارد. این است که با غصب خلافت بین دین نازل بر رسول خدا که حقیقتش در نزد حضرت امیر و فرزندان اوست و در کتابهای تالیف شده است با دین موجود تفکیک حاصل شد. بسیاری از حقائق دینی الان دست ما نیست لذا شما در فقه با احتیاط واجب و الاحوط و ... روبرو هستید. از این رو با تشتت در فتاوی رو برو هستیم و حکم ظاهری و واقعی روبرو هستیم یا اصول عملیه مواجه شدیم. و یا بخشی از آنچه به نام دین می شناسیم چه بسا اشتباه باشد و این فهم ما از دین است اما واقع نزد معصوم است.

حال شیعه از یک سو روبرو با هجمه های سنگینی است که نگذاشتند حضرت امیر قرآن تفسیر شده خود را عرضه کند لذا قرآن او را قبول نکردند!!

ما مواجه هستیم با ظلم هایی که بر ائمه هدی شد. کمی در زمان باقرین فضا باز شد که البته با تقیه همراه بود! این همه روایات داریم که حمل بر تقیه می کنیم.

ولی در همین جا هم جعّالان حدیث کم نبودند. اهل غلو کم نبودند. دشمنان اهل بیت که به نام اهل بیت جعل حدیث می کردند کم نبودند! حوادث تاریخی که باعث شد بسیاری از احادیث از بین رفت! آنچه الان از تراث روایی در دست ما شیعه است در عین این که بسیار گران بها است اما بخش عمده ای از این تراث الان دست ما نیست. این که ناچاریم خبر واحد را مطرح کنیم که به چه خبری رو آوریم این که مجبور می شویم بررسی سندی بکنیم یا این که علاوه بر نقد سندی نقد متنی و عرضه به کتاب لازم است همه نشان از این است که منبع معتبر صد درصد نداریم. لذا باید این کار را کرد. اینجاست که مقدمات انسداد مطرح می شود.

حسین مقدس

جلسه ۱۳۰

۱۴۰۰/۱۰/۱۵